در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حِـوارٌ گفتگو

(في صالَةِ[1] التَّفتيشِ بِـالْجَمارِكِ[2]) (در سالن بازرسی گمرک)

شُرْطِيُّ الْجَمارِكِ پلیس گمرک	اَلزّائِرَةُ زائر
اِجلِبي هذِهِ الْحَقيبَةَ إلىٰ هُنا. این چمدان را بیاور به اینجا	عَلَىٰ عَيني، يا أُخي، وَلٰكِنْ ما هيَ الْمُشكِلَةُ؟ بروی چشمم، ای برادرم، ولی چیست مشکل
تَفتيشٌ بَسيطٌ. یک بازرسی ساده.	لا بَأسَ. اشکالی ندارد
عَفواً؛ لِمَن هذِهِ الْحَقيبَةُ؟ ببخشید؛ برای کیست این چمدان؟	لِأُسرَتي. برای خانواده‌ام.
اِفتَحيها مِنْ فَضلِكِ[3]. بازکن آن را لطفاً	تَفَضَّلْ، حَقيبَتي مَفتوحَةٌ لِلتَّفتيشِ. بفرما، چمدان من باز است برای بازرسی
ماذا فِي الْحَقيبَةِ؟ چه چیزی در چمدان است؟	فُرشاةُ الْأَسنانِ و الْمَعجونُ وَ الْمِنشَفَةُ وَ الْمَلابِسُ ... مسواک، خمیردندان و حوله و لباس‌ها
ما هٰذَا الْكِتابُ؟ این کتاب چیست؟	لَيسَ كِتاباً؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرَياتِ[4]. کتاب نیست؛ بلکه دفتر خاطرات است.
ما هٰذِهِ الْحُبوبُ؟ این قرص‌ها چیست؟	حُبوبٌ مُهَدِّئَةٌ، عِندي صُداعٌ. قرص‌های آرامش‌بخش است، من سردرد دارم.
هٰذِهِ، غَيرُ مَسموحَةٍ. این، غیرمجاز است.	وَلٰكِن أنا بِحاجَةٍ إلَيها جِدّاً. ولی من احتیاج دارم به آن‌ها بسیار.
لا بَأسَ. اشکالی ندارد	شُكراً. متشکرم.
اِجمَعيها وَ اذْهَبي. جمع کن آن‌ها را و برو	في أمانِ اللّٰهِ. خدانگهدار.



۱ــ **صالَة:** سالن ۲ــ **جَمارِك:** گمرک ۳ــ **مِنْ فَضْلِك:** لطفاً ٤ــ **ذِكْرَيات:** خاطرات